



# تحلیل مصاحبه رادیویی

● جیم بیمن

مترجم: احمد ارژمند

را نشان دهد؟ آیا صمیمانه است یا تقابلی؟ آیا در طول مدت مصاحبه این رابطه تغییر می کند؟

- آیا مصاحبه گر و مصاحبه شونده با مسئولیت پذیری صحبت می کنند؟ آیا آنچه را می گویند باور می کنید؟ چرا؟ آیا دیدگاه های مصاحبه شونده توسط مصاحبه گر که نقش مخالف را بازی می کند متعادل می شود؟ آیا می توانید دستور کاری را که مصاحبه شونده دنبال می کند تشخیص دهید؟

- توجه کنید که کارآمدترین مصاحبه ها چگونه از منابع اولیه استفاده می کنند. آیا فکر می کنید مصاحبه شونده ای که انتخاب شده فرد مناسبی است؟ اگر شما بودید چه کسی را برای مصاحبه انتخاب می کردید؟

- طول مدت مصاحبه را در مجموع در نظر بگیرید و چگونگی تقسیم زمان

زیادی را گوش دهید.  
- توجه کنید که چگونه مصاحبه معرفی و صحنه برای شنیدن مصاحبه چیده شده است. زبانی که در معرفی مصاحبه به کار رفته چگونه بر مخاطب اثر می گذارد.  
- به مسیر سؤالات و ترتیب قرار گرفتن آنها دقت کنید.

- به سازه مصاحبه توجه کنید و اینکه آیا به سؤالات به طور کامل پاسخ داده شده است و یا طفره ای وجود دارد؟ آیا مصاحبه گر از پیگیری پاسخ ها برای روشن شدن بهتر بازمانده است؟

- منظور از مصاحبه و جایگاه آن در بخش خبری یا برنامه را تحلیل کنید. آیا زنده است یا ضبط شده؟ آیا تدوین شده است؟

- چه سرنخ هایی می توانید بیابید که رابطه بین مصاحبه گر و مصاحبه شونده

گذشته از اینکه در هنر مصاحبه گری تا چه حد مهارت یافته باشید، تحلیل هر مصاحبه کوششی بسیار ارزنده است؛ زیرا گوش کردن رادیو، عمل شنیدن و فهم همزمان محتواسست. وقتی می خواهید مصاحبه ای را برای پخش رادیویی تحلیل کنید، ابتدا آن را گوش دهید و اولین اثراتی را که دریافت می کنید یادداشت نمایید. این همان چیزی است که برنامه سازان انتظار آن را دارند. تحلیل کردن، چیزی بیش از گوش کردن است؛ تحلیل مصاحبه یعنی اینکه مصاحبه را به قسمت های تشکیل دهنده آن تقسیم کنید و داوری نمایید که کدام قسمت ها جوابگوی شما هستند.

در تحلیل مصاحبه به نکات زیر دقت کنید:

- سعی کنید مصاحبه های رادیویی

بین سؤالات پرسیده شده و جواب‌های داده شده را یادداشت کنید.

- یک بار خود را جای مصاحبه‌گر و یک بار جای مصاحبه‌شونده بگذارید. اگر شما بودید چگونه از عهده برمی‌آمدید؟  
- اگر لازم است، مصاحبه را پیاده کنید و سپس همان‌طور که به آن گوش

**وقتی می‌خواهید مصاحبه‌ای را برای پخش رادیویی تحلیل کنید، ابتدا آن را گوش دهید و اولین اثراتی را که دریافت می‌کنید یادداشت نمایید. این همان چیزی است که برنامه‌سازان انتظار آن را دارند. تحلیل کردن، چیزی بیش از گوش کردن است.**

می‌کنید و یا نوشته را دنبال می‌نمایید، دقت کنید که لحن صدا چقدر برای فهماندن مطالب اهمیت دارد. در اینجا منتخبی از مصاحبه‌های رادیویی را که بعضی از آنها به عنوان رودرویی‌های تاریخی شناخته می‌شوند، همراه با اطلاعات ضمیمه برای کمک به فهمیدن و تصدیق کارآمدی آنها و تأثیری که احتمالاً بر شنونده‌ها داشته‌اند، می‌آوریم.

### مصاحبه باندا و براون

در سال ۱۹۶۲ دولت از دکتر هستینگز باندا، اهل نیاسالند (Nyasaland) دعوت کرد تا بعضی از فعالیت‌هایش را توضیح دهد. او موافقت کرد که طی ملاقاتش مصاحبه‌ای با رادیو BBC داشته باشد. در همان وقت خانم پت تیلور (Pat Taylor)، رئیس سابق

آموزش رادیو، به عنوان مدیر استودیو در برنامه **جهان واحد** (The World at One) کار می‌کرد. او به یاد می‌آورد که این مصاحبه در فرودگاه هیشرو، هنگام خروج باندا از کشور ضبط شد. این مصاحبه ابتدا در بخش خبری ساعت ۷ روز ۲۱ ژوئن ۱۹۶۲ و به‌طور کامل در برنامه **جهان واحد** در همان روز پخش شد. واضح است که باندا برای مصاحبه با داگلاس براون که سؤالاتی مؤدبانه و مصرانه را دنبال می‌کند، آماده نبوده است. باندا نباید دچار ضربه فرهنگی شده باشد؛ چراکه مدتی را در انگلیس گذرانده بود و از روش‌های مطبوعات و رسانه‌های ما آگاه بوده است. او فقط مصمم بود چیزی را از دست ندهد و شاید فکر می‌کرد که اگر سؤالی را پاسخ ندهد، BBC مصاحبه را پخش نخواهد کرد. به نظر می‌رسد در برابر بعضی از سؤالاتی که پرسیده شده، واقعاً متعجب شده است. این مصاحبه‌ای است که پاسخ‌ها نشان می‌دهد برای شنونده‌های رادیو تا چه اندازه مهم است که سؤالات را هم مثل پاسخ‌ها بشنوند. پت تیلور به خاطر می‌آورد که داگلاس براون هنگام بازگشت به ساختمان پخش، دلخوری خود را از پاسخ‌های دریافت شده، به زبان آورده بود و تا اندازه‌ای از طرز برخورد باندا در طی مصاحبه عصبانی بود. به هر حال، همه افراد دست‌اندرکار می‌دانستند که مصاحبه باید پخش شود، چون باندا با اینکه تلاش کرده بود اطلاعات زیادی ندهد ولی چیزهایی گفته بود. ممکن است دوست داشته باشید، بدانید که طی این مصاحبه غلبه با چه کسی بوده است. بخشی از آن را می‌خوانیم:

داگلاس براون: **دکتر باندا، هدف شما از این سفر چیست؟**  
دکتر هستینگز باندا: خب، وزیر

خارج از من خواسته است به اینجا بیایم. براون: **آیا به اینجا آمده‌اید تا از وزیر خارجه، تاریخی قطعی برای استقلال نیاسالند بخواهید؟**

باندا: این رابه شما نخواهم گفت.  
براون: **امیدوارید کی استقلال به دست آورید؟**  
باندا: این رابه شما نخواهم گفت.

براون: **دکتر باندا، وقتی استقلال به دست آورید، آیا برای بیرون آمدن از فدراسیون آفریقای مرکزی مصمم تر از همیشه خواهید شد؟**

باندا: آیا لازم می‌بینید در این مرحله این سؤال را از من بکنید؟  
براون: **خب، این مرحله مثل هر مرحله دیگری است. چرا از من می‌پرسید که نباید این سؤال را در این زمان از شما پرسیم.**

باندا: چیزی نگفتم که برای قانع کردن کسی کافی باشد. من منظورم درست همان بوده است!

براون: **دکتر باندا، اگر رابطه خود را با فدراسیون آفریقای مرکزی قطع کنید چگونه از نظر اقتصادی ادامه خواهید داد؟**

باندا: این ...  
براون: **گذشته از هر چیز، کشور شما کشور ثروتمندی نیست، هست؟**  
باندا: این را نپرسید! به عهده من بگذارید.

براون: **فکر شما در کدام مسیر حرکت می‌کند؟**  
باندا: کدام مسیر؟ این رابه شما نخواهم گفت.

براون: **امیدوارید از کجا کمک اقتصادی دریافت کنید؟**  
باندا: این رابه شما نخواهم گفت.  
براون: **قصد دارید چیزی به من بگویید؟**

باندا: هیچ چیز.  
 براون: قصد دارید به من بگویید در  
 پرتغال بودید؟  
 باندا: [مکث] شغل من این است.  
 براون: در حقیقت شما قصد دارید  
 اصلاً هیچ چیز به من نگوئید.  
 باندا: هیچ چیز، اصلاً.  
 براون: پس این مصاحبه ای بی ثمر  
 است.  
 باندا: خب این بستگی به شما دارد.  
 براون: خیلی متشکرم.

تان بریج ولز چیست؟  
 آقای کرانول: چی، چی؟  
 مصاحبه گر: قشنگ ترین نکته  
 درباره تان بریج ولز چیست؟  
 کشاورز: نمی دانم.  
 مصاحبه گر: هیچ چیز قشنگی درباه  
 آن نمی دانید؟  
 کشاورز: نه  
 مصاحبه گر: اصلاً هیچ چیز؟  
 کشاورز: نه. من درباره تان بریج ولز  
 هیچ چیز نمی دانم.  
 مصاحبه گر: اما آنجا باید محل  
 سلامت آوری باشد.

به نظر برس؟  
 مصاحبه گر: هوم، خب، اه من  
 می دانم این ناشی از روحیه است.

تحلیل مصاحبه یعنی اینکه  
 مصاحبه را به قسمت های  
 تشکیل دهنده آن تقسیم کنید  
 و داوری نمایید که کدام  
 قسمت ها جوابگوی شما  
 هستند.

کشاورز: هوم؟  
 مصاحبه گر: ناشی از روحیه.  
 کشاورز: روح...؟  
 مصاحبه گر: ناشی از روحیه  
 خودتان است.

کشاورز: من نمی دانم شما از من  
 می خواهید چه بگویم، اما اگر بتوانم  
 چیزی برای خوشحال کردن شما بگویم  
 خواهم گفت.  
 مصاحبه گر: هر چه شما بگویید مرا  
 شادمان می کند.

کشاورز: هوم؟  
 مصاحبه گر: هر چه شما بگویید مرا  
 شادمان می کند. من از شما می خواهم  
 چیزی درباره زندگی در تان بریج ولز  
 بگوئید.

کشاورز: خب من نمی توانم بگویم.  
 من در تان بریج ولز زندگی می کنم، این  
 تمام چیزی است که می توانم درباره  
 تان بریج ولز به شما بگویم.

منبع:  
 این مقاله برگرفته از فصل نهم کتاب مصاحبه  
 رادیویی است که به زودی توسط تحقیق و  
 توسعه صدا منتشر خواهد شد.



کشاورز: اوه، جای سلامت آوری  
 است، شما می توانید برگردید به قرن  
 پانزدهم، شانزدهم، نمی توانید؟  
 مصاحبه گر: بله، من ...  
 کشاورز: شاید بلد نیستید؟  
 مصاحبه گر: اوه، چرا، بلدم، اما در  
 هر حال باید جای سلامت آوری برای  
 شما باشد که در این سن این قدر  
 فوق العاده هستید.  
 کشاورز: خب، چرا نباید فوق العاده

چاه های تان بریج ولز (WELLS  
 TUNBRIDGE)  
 در این مصاحبه مردی پا به سن گذاشته  
 و سنگین گوش، ساکن قدیمی شهر، به  
 نام آلفرد کرانول (Alfred Cronwell) در  
 معرض سوالات خانمی از BBC قرار  
 گرفته که لحن صحبت او، مرد را بیزار  
 کرده و لذا نتوانسته پاسخ های مطلوبی به  
 او بدهد:  
 مصاحبه گر: زیباترین مطلب درباره